مبارزان انقلابی در نشست اخیر «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» از ابعاد مختلف پیروزی انقلاب اسلامی گفتند

دانشگاه شنونده روایت روزهای انقلاب

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

بیست‌ودومین نشست از سلسله نشست‌های «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» در آستانه دهه فجر انقلاب اسلامی با حضور محمود بازرگانی و محمدمهدی عبدخدایی از مبارزان انقلابی و احمد خزایی دستیار وزیر اطلاعات و جمعی از اعضای هیات‌علمی دانشگاه آزاد در سالن آمفی‌تئاتر موزه عبرت تهران برگزار شد. مشروح صحبت‌های میهمانان ویژه این مراسم و دیدگاه‌های اساتید دانشگاه را در ادامه می‌خوانید.

نباید جان‌فشانی‌های سال‌های انقلاب را فراموش کنیم

ابوالفضل یداللهی‌اصلان، مدیرکل ارتباطات اجتماعی و فراسازمانی دانشگاه آزاد: درطلیعه چهل‌وچهارمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هستیم. برکت وجود عزیزانی که خون پاکشان دراین مجموعه ریخته شد، ثمره‌اش انقلابی بود که امروز در جهان بروز و ظهور دارد؛ انقلابی که آغاز پیروزی‌اش با هشت سال جنگ در برابر همه جهان بود، تا جایی که در تهیه ابتدایی‌ترین لوازم و وسایل دفاعی مشکل داشتیم. امروز ما را تهدید می‌کنند که چرا پهپاد شما در فلان نقطه از جهان، نقش‌آفرینی می‌کند. در اردن، پایگاه آمریکای غاصب تاسیس می‌شود. حمایت ایران از مجموعه‌های مقاومت سبب شده این عرضه و جرأت را پیدا کنند که آمریکا را بزنند. به اذعان خودشان، سه تن از سربازان آنها کشته شده و ۲۴ یا ۳۴ نفر هم زخمی شده‌اند؛ این دستاورد افتخاری برای نظام ما با وجود همه مشکلات و مسائلی است که کنارش وجود دارد. ان‌شاءالله به همت مجموعه علمی کشور، قطعا مشکلات حل خواهد شد. ما در بیست‌ودومین نشست از سلسله نشست‌های دانشگاه، خانه گفت‌وگو هستیم. اغلب عزیزان و استادان ارجمند با این نشست‌ها آشنایی دارند. این نشست‌ها به جهت لبیک به ندای رهبر معظم انقلاب در بحث جهاد تبیین و تقویت و تحریک قوه عاقله اجتماعی در معاونت امور مجلس و ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد برنامه‌ریزی شده است. عمدتا عزیزان در موضوعات و مسائل روز به صورت میزگرد حضور پیدا می‌کنند. در هر جلسه اساتید به ارائه نظر می‌پردازند و میهمان عزیز و ویژه حاضر در برنامه نیز در مباحثی که از سوی استادان ارجمند مطرح می‌شود، ارائه نظر می‌کند. امروز در موزه عبرت هستیم تا اعتبار و عبرتی باشد برای من و امثال بنده که جان‌فشانی‌ها برای امنیت و آرامش امروزمان و ازخودگذشتگی‌های صورت‌گرفته را فراموش نکنیم. باید خداوند را قدردان باشیم و از خون‌فشانی‌ها، جان‌فشانی‌ها و ازخودگذشتگی‌ها تشکر کنیم.

دانشجویان تحصیلات تکمیلی را به موزه عبرت بیاورید

محمود بازرگانی، استاد و پژوهشگر تاریخ: چند نکته را عرض کنم؛ چرا اینجا به زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری تبدیل شد؟ اتفاقاتی بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ افتاد. اکثر دوستان اطلاع دارند جو خفقان رضاخانی برداشته شد و محمدرضا با سن بسیار پایین ۲۱ سال روی کار آمد. «intelligence service» (سرویس اطلاعاتی) انگلستان نمی‌توانست به سادگی ایران را از دست بدهد. بالاخره شرایط وجود داشت که باید کنترل می‌شد. محمدرضا، همان اول کار اقدامات رفرمی انجام داد؛ فعالیت احزاب را آزاد کرد و خیلی از افراد گروه «۵۳ نفر» دکتر [تقی] ارانی که زندانی بودند، آزاد شدند. فعالیت حزب توده هم آزاد شد. شرایطی که می‌توان از آن با عنوان فضای باز سیاسی نام برد، به وجود آمد. البته این فضای باز سیاسی در ابتدا به ضرر انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها تمام شد. آنها تیراندازی صوری به راه انداختند؛ همان ماجرای دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که ضارب بلافاصله کشته شد، همه آثار و شرایط را برمی‌گرداند. دوباره دستگیری‌ها شروع می‌شود. البته به‌صورت منسجم نبوده است. انسجام برخورد با مبارزان، تقریبا از سال ۱۳۳۵ صورت می‌گیرد؛ یعنی از زمان تاسیس ساواک.

باز هم این انسجام به‌صورت پراکنده بود تا اینکه از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دیگر شدت بالا می‌گیرد. بحث تقویت مبارزه و گفتمان مخالفت با حکومت، فی‌الواقع از آبان ۱۳۴۳ آغاز شده، دستگیری‌ها سرعت پیدا می‌کند و شکنجه‌ها شروع می‌شود؛ منتها با تفکیک سه نیروی تاثیرگذار اعم از شهربانی، ارتش و ژاندارمری. به این معنا که قبل از ۱۳۵۰، رکن دو در این سه نیرو، مبارزان را به امید پاداش دستگیر می‌کردند. دقت کنید، به همین دلیل به همدیگر اطلاع نمی‌دادند. مبارزان بازجویی شده و برای آنها پرونده تشکیل می‌شد. زمانی نیروهای دیگر از وجودشان باخبر می‌شدند که کار از کار گذشته بود، بنابراین بسیاری از اطلاعات خیلی از مبارزان رو نمی‌شد. اولین بار چه کسی متوجه نقصان کار شد؟ «ریچارد هلمز» (رئیس سازمان سیا) سفری به ایران کرده و با مشاوران، نکته‌ای را مطرح می‌کند. او می‌گوید: «هرچه تلاش می‌کنیم ساواک را تقویت کنیم، موفق نمی‌شویم.» آنها به این نتیجه رسیدند که نیروهای فعال در رکن دو ایران، یکجا متمرکز شده و آن نقطه تبدیل به مرکز شود. چنین جایی به نام «کمیته مشترک ضدخرابکاری» شکل می‌گیرد. تاریخ شکل‌گیری این کمیته، اواخر سال ۱۳۴۹ و اوایل ۱۳۵۰ است. برگردیم به عقب‌تر؛ مجتهد مسلم، آگاه زمان، هوشیار، مبارز و نکته‌سنج، حضرت امام بودند. آیت‌الله بروجردی به حضرت امام ماموریتی می‌دهند تا ملاقاتی با شاه داشته باشند. من نمی‌خواهم به متن و محتوای ملاقات، چندان بپردازم. بعد از اینکه ایشان از ملاقات مذکور به قم برمی‌گردند، گزارشی به آیت‌الله بروجردی درباره مذاکرات می‌دهند. حضرت امام در جمع خصوصی جمله‌ای می‌فرمایند که جعفری گیلانی در مصاحبه خود به من در همین موزه عبرت گفت، مصاحبه‌ای که به صورت زنده انجام شد و فیلم آن نیز موجود است. او گفت امام در آن جلسه فرمودند: «در جریان باشید؛ محمدرضا را می‌شود برداشت.» ایشان چه زمانی این حرف را زدند؟ ۱۳۴۰؛ یعنی زمانی که قدرت پهلوی از طریق انگلستان و آمریکا تقویت می‌شود. از آن تاریخ به بعد، امام مبارزه در جامعه را به شدت به سمت «فرهنگی» سوق می‌دهند. در بحث مبارزه با فرهنگی موفق شدیم انقلاب کنیم، نه در مبارزات مسلحانه. تراب حق‌شناس و حسین احمدی روحانی چند جلسه با امام در نجف ملاقات می‌گذارند. به صورت مرتب برای امام نهج‌البلاغه می‌خوانند و از قرآن آیات مبارزه می‌آورند. امام فقط گوش می‌دهند. درنهایت تراب حق‌شناس می‌گوید: «حضرت آیت‌الله! اظهارنظری بفرمایید.» ایشان می‌گویند: «روش مبارزه شما موجب اتلاف نفوس می‌شود»؛ پس مبارزه فرهنگی.

بحث منفی قصه را هم ببینید؛ هرجا از مبارزه منفی، کوتاه بیاییم به لحاظ تفکر سقوط می‌کنیم؛ پس مبارزات فرهنگی شدت پیدا می‌کند. بسیاری از کسانی که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در اینجا زندان بوده‌اند به خاطر کتاب و اعلامیه بوده است. دوستان دقت کنید به دلیل اسلحه نبوده است. معلوم می‌شود کتاب و اعلامیه، نقش خود را دارد. دلیل دستگیری خودم پخش اعلامیه بود. یک کتاب «حکومت اسلامی» از کسی می‌گرفتند، سه سال زندان داشت. محکومیت من هم دو سال بود؛ یک نوجوان ۱۷ساله بودم. به سال ۱۳۵۰ برگردیم. سال ۱۳۵۰ یکی از تلخ‌ترین سال‌ها برای مبارزه و برای عموم مردم ایران بود؛ سالی که جشن‌های ۲۵۰۰ساله برگزار می‌شد. شاه با تبختر و قدرت فراوان به «کوروش» پیام می‌دهد: «بخواب، ما بیداریم.» در جامعه، کاخ‌های جوانان شکل می‌گیرد و از سوی دیگر «حصیرآباد»ها توسعه پیدا می‌کنند. حصیرآبادها جاهایی بودند که سقف و پوشش مردم از حصیر بوده و حکایت از فقر داشته است. همچنین می‌توان به حلبی‌آبادها اشاره کرد. فقر و مناطق محروم در تهران بیداد کرده، ولی شاه جشن ۲۵۰۰ساله برگزار می‌کند. حتی اقدامات رفرمی برای حاکمیت هم مثل انقلاب «شاه و ملت» جواب نداد. به سرعت از این مسائل رد می‌شوم، چون به ساعت نگاه کردم و باید حساب کار خودم را بکنم!

سال ۱۳۵۰ اتفاقاتی شکل می‌گیرد. قوی‌ترین و باهوش‌ترین افراد به کار گرفته شده و برای تقویت شیوه‌های بازجویی به اسرائیل فرستاده می‌شوند. خاطرات یعقوب نیمرودی را بخوانید. از نفرات برتر اسرائیل در ایران بود. این موارد در خاطرات بعضی از شکنجه‌گران هست. چرا اسرائیل، بازجویان ما را تقویت می‌کند و آموزش می‌دهد؟ برای اینکه بتوانند مبارزه را سرکوب کنند، اما در نظر داشته باشید ۸ هزار و ۴۳۲ نفر طی هفت‌سال دستگیر شدند که ۷۰۰ تن از آنها خانم و عمدتا دانشجو بودند به اینجا آورده شده و با شدیدترین شکنجه، تلخ‌ترین دوران رقم خورد. نه هواخوری، نه ملاقات و نه ارتباط با بیرون؛ با این همه تلاش موفق نشدند مبارزه را سرکوب کرده و حتی نتوانستند شعله‌های مبارزه را کم‌فروغ کنند.

نکته دیگر در همین کمیته مشترک ضد خرابکاری، بازجوها به همدیگر لقب دکتر و مهندس می‌دادند، چون در برابر تحصیلکرده‌ها، هوشمندان و کسانی کم می‌آوردند که مبارزه را هدفمند انتخاب کرده بودند. روحانیت، دانشگاهیان، دانشجویان و محصلانی که اینجا مقاومت می‌کردند، همگی موید این نکته بودند که ساواک، ضعف خودش را بروز داد. آخرین جمله بنده این است؛ شما اکنون در مکانی هستید که خون‌های زیادی ریخته شده و مبارزان شلاق‌های بسیاری خورده‌اند. استدعا دارم دوستان، دانشجوها و استادان دیگر را به اینجا بیاورند. دشمن شب و روز درحال کار است. افراد را به اینجا بیاورید تا شاید ببینند. هنوز از ۱۱۰ هزار نفر زندانی سیاسی از ابتدای پهلوی تا انتهای پهلوی دوم، بعضا زنده هستند. آنها خاطرات و گفت‌وگو داشته و حرف برای زدن دارند. استدعا دارم اهالی دانشگاه در مقاطع مختلف به خصوص دانشجویان تحصیلات تکمیلی را به اینجا بیاورید.

نقش آیت‌الله بروجردی در انقلاب پررنگ بوده است

محمدمهدی عبدخدایی، دبیرکل جمعیت فدائیان اسلام: شهادت نواب صفوی درباره پیمان نظامی بغداد بود، اما من می‌خواهم صحبت‌های او را تکمیل کنم. آن صحبت‌ها در این خصوص بوده که کم‌کم نام حضرت آیت‌الله بروجردی مطرح شده و درواقع کم‌لطفی صورت گرفته است. اگر نقش آیت‌الله‌العظمی بروجردی در انقلاب مطرح شود، معلوم خواهد شد چقدر پررنگ بوده است. کلا انقلاب‌ها زیربنا دارند. مثلا امروز بیشتر متفکران می‌گویند: «ریشه‌های انقلاب کبیر فرانسه در کتاب قرارداد اجتماعی ژان‌ژاک روسو دیده می‌شود.» چرا انقلاب کبیر فرانسه به وجود آمد؟ حالا هم می‌گویند پدر انقلاب کبیر فرانسه، ژان‌ژاک روسو است، در حالی که او زمان انقلاب کبیر فرانسه نبود و پیش‌تر درگذشت. «روسو» سه کتاب مهم نوشت؛ یکی «قرارداد اجتماعی»، یکی «امیل» و دیگری که نامش را فراموش کرده‌ام، چون پیر شده‌ام! کتاب «قرارداد اجتماعی» در واقع انقلاب کبیر فرانسه را به وجود آورد. کتاب علامه محمدحسین نائینی به نام «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» از افتخارات شیعه است. اگر این کتاب را بخوانید، می‌بینید چرا مشروطیت به وجود آمده است، چرا حوزه‌های علمیه و رهبران حوزه‌ها آگاهی داشتند، آیت‌الله بروجردی چه نقشی داشت و آیت‌الله عبدالکریم حائری دارای چه نقشی بود. می‌بینید در سال ۱۳۱۴، کمی قبل از آنکه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری از دنیا برود، نامه‌ای به رضاخان می‌نویسد و می‌گوید: «به یهودی‌ها ویزا ندهید. آنها می‌روند در فلسطین توطئه می‌کنند.» هنوز دولت اسرائیل تشکیل نشده بود. دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تشکیل شده و ۱۴ سال پیش از آن، شیخ عبدالکریم حائری چنین نامه‌ای می‌نویسد. نگاه می‌کنیم و می‌بینیم اگر آیت‌الله شیخ حسن شیرازی نبود، مبارزه منفی در ایران شکل نمی‌گرفت. چرا مبارزه منفی شکل گرفت؟ فرق مبارزه منفی با مبارزه مثبت چیست؟ چه کسانی مبارزه منفی را آغاز کردند؟ همین حالا می‌گوییم «بایکوت»؛ ریشه بایکوت چیست؟ اسم یک سرهنگ انگلیسی بود. او در ایرلند فرماندار شد. مردم ایرلند تصمیم گرفتند با او حرف نزنند. وقتی به خیابان می‌رفت، مردم با او صحبت نمی‌کردند. حالا علم شده هرکسی را تحریم می‌کنند، می‌گویند بایکوت شده است. بایکوت اسم است، ولی روی آن علم شده؛ چه کسی اولین مبارزه منفی را در تشیع آغاز کرد؟ حضرت فاطمه زهرا(س). چرا؟ وقتی ایشان می‌بینند حق او را ضایع کرده‌اند، گریه می‌کنند. ایشان قبر خویش را مخفی می‌کنند. چرا این کار را انجام می‌دهند؟ برای اینکه مبارزه منفی کنند. چرا امام رضا(ع) در زمان «مامون» پست نمی‌پذیرند و مبارزه منفی می‌کنند.

چرا آیت‌الله میرزا حسن شیرازی، تنباکو را تحریم می‌کند. ریشه‌اش کجاست؟ ناصرالدین شاه به سفر انگلستان می‌رود. سالیسبوری، نخست‌وزیر انگلستان در آنجا «تالبوت» را معرفی می‌کند و امتیاز خرید، فروش و صادرات تنباکو را به او می‌دهد. تا شش ماه مخفی بوده است. برای اولین بار یک واعظ به نام سید علی‌اکبر فال اسیری، پیدا می‌شود. او در مسجد وکیل روی منبر می‌رود و می‌گوید: «مردم! فروختندتان. من با این قرارداد تنباکو، صدای چکمه‌های انگلستان را در ایران می‌شنوم.» با یک فتوا تمام ایران حرکت می‌کند. مبارزه منفی با تشیع آغاز شده است. چرا امام پیروز شده؟ ایشان مبارزه منفی کرده است. آیت‌الله بروجردی چه کرده؟ بعد از آیت‌الله عبدالکریم حائری، سه مرجع حوزه را اداره کردند؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله حجت کوه‌کمری. امام اینکه در درس مرحوم شیخ عبدالکریم حائری بزرگوار شرکت کرده بودند، احساس می‌کنند حوزه علمیه قم مرجعی می‌خواهد که آگاه به تمام زمان باشد. باید بداند در زمان چه می‌گذرد. با احترام می‌روند آیت‌الله بروجردی را از بروجرد به قم می‌آورند. ریاست حوزه به آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان چه کار می‌کنند؟ فضای بازی در حوزه به وجود می‌آورند.

فضای باز یعنی اگر طلبه تا آن زمان می‌خواست زبان خارجه بخواند، مورد طعن قرار می‌گرفت. فضای باز طلبه‌ها، یادگیری زبان خارجه بود. طلبه باید به مفاهیم اصلی فلسفه غرب و نشات‌گرفته از ذهن دانشمندان قرن هجدهم و نوزدهم، آگاه باشد. نظریات مارکس را می‌خوانند. فضا باز شده و می‌بینید اولین کتاب در حوزه را آیت‌الله مکارم در حالی که ۲۸ یا ۲۹ سال داشته به نام «فیلسوف‌نماها» می‌نویسد. آن سال کتاب آقای ناصر مکارم برنده بهترین جایزه فلسفه سال می‌شود. او نظریات مارکس را نقد می‌کند. در سال ۱۳۳۲ آیت‌الله طالقانی به‌عنوان یک نظریه‌پرداز کتاب «اسلام و مالکیت» را می‌نویسد و در این کتاب، شیوه استدلال مارکسیسم را مورد نقد قرار می‌دهد، در حالی که مارکس استاد اقتصاد است. مارکس تا زمانی که در برلین بود، اقتصاد درس می‌داد. وقتی از آلمان به انگلستان می‌رود با کسی که فیلسوف است آشنا می‌شود.

در ایران هم چه کسانی کمونیسم را مطرح کردند؟ تقی ارانی که دو کتاب دارد به نام «ماتریالیسم دیالکتیک» و «ماتریالیسم تاریخی». او همچنینی کتابی به نام «پسیکولوژی؛ علم روح» دارد. نقدی از احمد کسروی بخوانم. آقای احمد کسروی جزوه‌ای منتشر کرده که ۳۰ صفحه است و «در پیرامون روان» نام دارد. هیچ اطلاعی از روانشناسی و جامعه‌شناسی ندارد. او می‌گوید: «۱۰ صفحه از پسیکولوژی علم روح تقی ارانی را خواندم و این جواب را نوشتم.» این نقد را هم به احمد کسروی داشته باشم؛ او نه مورخ و نه واقع‌نگار بود. تاریخ‌نگاری از زمان ابن خلدون تغییر کرد. مورخ و تاریخ‌نگار باید اقتصاد، سنت‌ها و شرایط جامعه را بداند. اگر او به شرایط جامعه آگاه باشد، می‌تواند مورخ باشد، وگرنه «ناسخ‌التواریخ» و «روضه‌الصفا» هم هست. بسیاری از تواریخ هستند، ولی عوض شد. ابن خلدون تاریخ‌نگار را از واقع‌نگار جدا کرد. امروز تاریخ‌نگار با واقع‌نگار با نویسنده تاریخ شفاهی تفاوت دارد. امروز بیشتر به تاریخ شفاهی روی آورده‌اند. واقع‌نگار واقعه را می‌بیند و عین آن را می‌نویسد. آقای احمد کسروی، امین در واقع‌نگاری نبود. آقای زنجانی را از زنجان به‌عنوان مستعد به تهران تبعید می‌کنند؛ عین نامه‌اش را برای شما می‌خوانم. کسروی آن نامه را چاپ کرده و نوشته: «آمدند مرا به جبر برند به میدان توپخانه.» در میدان توپخانه، مستبدان «میتینگ» گذاشته بودند. آقای کسروی «به جبر» را برداشته بود. تمام معنا عوض شد. او در میتینگ توپخانه شرکت کرده است. چه تحولاتی در او افتاده؛ برای اینکه خودش را موجه جلوه کند عین نامه را چاپ کرده و «جبر» را برداشته است. تاریخ‌نگار باید مثل محدث، امین باشد. در تاریخ شیعه اگر در طول ناقلان حدیث، انسانی پیدا شود که شرایط امانت برای نقل حدیث نداشته باشد، حدیث او مخدوش می‌شود و روی آن فتوا نمی‌دهند.

واقع‌نگار باید امین باشد. احمد کسروی نه واقع‌نگار و نه محدث بود. «تاریخ مشروطه ایران»، «تاریخ هجده‌ساله آذربایجان» و «تاریخ پانصدساله خوزستان» اثر او را خوانده‌ام. کتابی که درباره آمریکا نوشته را نیز مطالعه کرده‌ام. مگر او چقدر عمر داشته که این‌همه کتاب درباره شیعه‌گری، بهایی‌گری، صوفی‌گری، «در پیرامون روان» و «حافظ چه می‌گوید؟» نوشته است؟ به حافظ و سعدی توهین می‌کند. او درباره همه چیز اظهارنظر می‌کند. کسروی طلبه‌ای در مدرسه طالبیه است که با پدر من هم‌دوره بوده؛ مدتی هم امام جماعت در مسجدی به نام مسجد کسروی در «هکماوار» (حکم‌آباد) تبریز است که عمویش ساخته. او مدتی به بیمارستان آمریکایی‌ها می‌رود زبان خارجه می‌خواند و روی زبان فارسی هم کار می‌کند. او می‌خواهد فورس قدیم را زنده کند. از ناسیونالیست‌های تند فارسی‌زبان است، به‌طوری‌که رضاخان در سال ۱۳۱۴ وقتی دانشگاه تهران را تشکیل می‌دهد، با وجود اینکه کسروی نه دانشگاه دیده و نه روی دانشگاه‌ها مطالعه کرده، مامور ویراستاری واژه‌های فارسی از زبان تازی می‌شود.

۴۰ روز دادستان تهران بوده است. کسروی بعدا از دادگستری بیرون می‌آید و وکیل دادگستری می‌شود. وکیل تقی ارانی و ۵۳ نفر حزب توده می‌شود. جالب اینجاست بعد از شهریور ۲۰ وکیل پزشک (احمد) احمدی هم می‌شود که آمپول هوا به تقی ارانی و دیگران زده است و بعدها محکوم به اعدام می‌شود. وکیلی بود که امانت وکالت را حفظ نمی‌کرده است. از احمد کسروی بت ساختند. اولین اقدام نواب صفوی درباره او بوده است. بعد از اینکه نواب صفوی اقدام می‌کند و کسروی توسط سیدحسین امامی و چند نفر دیگر معدوم می‌شود، نواب به منزل ما آمد. سال ۱۳۲۴ او را در خانه خودمان دیدم و خودم در را برای او باز کردم. علت هم این بود که پدرم با احمد کسروی هم‌دوره تحصیلی بوده و بعد از پیدا شدن او مقالاتی با عنوان تذکرات دیانتی نوشته است.

آقای نواب صفوی بعدها به من گفت من که می‌خواستم در مشهد مخفی شوم آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کاشانی و آقای حاج سراج انصاری به من گفتند به منزل حاج شیخ غلامحسین ترک بروم که از تبریز آنجا تبعید شده بود. من نیز عکس نواب صفوی را در روزنامه‌ها دیده بودم. زمانی که می‌خواستم به مدرسه بروم، آقا سیدی را دیدم. آن زمان روحانیون کفش‌های بندی داشتند. به من گفتند آقاجان خانه است؟ گفتم بله و گفت بگو که نواب است و من با عجله ایشان را شناختم. او را به قسمت بیرونی هدایت کردند و به مادر دوم من گفتند که به ایشان صبحانه دهد. مادر دوم من که بعد از کشته شدن مادرم، به همسری پدرم در آمد عمه علم‌الهدی بود.

این خاطره را می‌گویم که چطور شد که من به زندان رفتم. در دفعه دوم نیز در رابطه با پیمان نظامی بغداد به زندان رفتم اما اگر با شهید نواب صفوی دستگیر می‌شدم قطعا تیرباران می‌شدم. نواب صفوی، سیدعبدالحسین واحدی، سیدمحمد واحدی، خلیل طهماسبی و من، پنج نفری بودیم که در آن جلسه حضور داشتیم. من استثنائا زنده ماندم. ۱۰ نفر از فدائیان اسلام بودیم و رئیس دادگاه سرهنگ سیف بود که من نوه عمه ایشان بودم. به من چهار سال محکومیت داد و یک نفر را تبرئه کرد. به دادگاه تجدید نظر رفتم و تعریف می‌کنند که آیت‌الله بروجردی سفارش کرده بود فدائیان اسلام را تبرئه نکنید. بعد از چهار سال و نیم من را به تهران بازگرداندند. با رهبران حزب توده و جبهه ملی زندان بودم و با آنها بحث‌های بسیاری می‌کردم. نظریات بسیاری را خواندم. نظریات کسی که در آلمان حاکم بود را اکثرا خواندم.

در زندان تماما مطالعه کردم و آثار ایران و اروپا و... را خواندم. لذا امروز که عضو هیات علمی دانشگاه شده‌ام به دلیل مطالعات من است نه به این دلیل که در دانشگاه شرکت کرده‌ام و دوره‌های مختلف را گذرانده‌ام. استاد مدعو دانشگاه امام‌علی و علمی کاربردی بوده‌ام. می‌خواستم زیربنای حرف‌های نفر قبل را تکمیل کنم. آیت‌الله بروجردی فضای باز در حوزه علمیه قم به وجود آورد، به صورتی که علامه محمدحسین طباطبایی توانست اصول فلسفه و روش رئالیسم را بنویسد. آیت‌الله بروجردی در ۱۳۴۰ فوت کردند اما در سال ۱۳۴۳ بود که ۱۵ خرداد پیش آمد. ۲۰ سال تمام رضا شاه دیکتاتوری خشن در این مملکت به وجود آورد. بعد از سه سال ایشان فوت کردند، چه تغییری پیش آمد که ۱۵ خرداد پیش آمد؟ روشنگری آیت‌الله بروجردی، در حوزه‌های علمیه بود و حوزه نجف هم از اینجا اقتباس کرد. اگر بدانیم که چرا ۱۵ خرداد پیش آمد باید نام آیت‌الله بروجردی را ببریم. از نظر فقه ایشان صاحب نظر بودند و بعد از او فقهای دیگر نتوانستند با او همسانی کنند. اسرائیل صحرای سینا و بیت‌المقدس را در عرض شش روز گرفت اما امروز ۱۰۵ روز است که اسرائیل جلادی می‌کنند. اینها که می‌گویند آتش‌بس مگر آتش‌بس می‌کنند؟ نفت و بنزین ندهد! اما نکردند، برای اینکه عربستان می‌خواهد در آنجا سفارت باز کند. ۱۰۵ روز است که یک شهر مقاومت می‌کند. اعراب چنان بی‌غیرت شده‌اند که از او حمایت می‌کنند. مگر اسلحه آمریکایی آتش‌بس سرش می‌شود؟ در کلاس‌ها بگویی که چه خبر بوده است؟

امروز کوچک‌ترین مساله و شبهه‌ای دنیا را فرا می‌گیرد

احمد خزایی، دستیار وزیر اطلاعات: من بسیار خوشحالم که خدمت شما هستم. به من گفته شد درباره جهاد تبیین صحبت کنم. درد مشترکی را با شما درمیان می‌گذارم. کار همه ما معلمی و آموزش است. همچنین احساس مسئولیت سنگین راهبری فرزندان بر دوش ما سنگینی می‌کند. ما در شرایط خاصی در طول تاریخ هستیم که با علم و دانش و تکنولوژی و این نسل جدید مواجه هستیم. همواره بشر مشکلات خودش را داشته است. این جهاد تبیین که از سال ۹۵ اعلام شد. روشن است. تبیین و بیان و توضیح و راهنمایی، چیز جدیدی نیست منتها باید واقعا با خیز جدید و اهتمام بیشتر و رنج بیشتری با نسلی که مسئولیت او را به دوش می‌کشیم مواجه شویم. اولین مساله ما این است که این نسل را باید بشناسیم. باید با زبان و ادبیات آنها آشنا شویم. خداوند می‌گوید ما هر پیامبری را که فرستادیم با زبان آن قوم آشنا بود. اگر الان به من بگویند در دبیرستان و راهنمایی صحبت کنم، نمی‌پذیرم، چراکه بلد نیستم با آنها ارتباط بگیرم. این اولین گام و مسئولیت ماست. دانشجو و دانش‌آموز ما مشکلات و تبلت و لپتاپ ما را حل می‌کنند. ذائقه اینها چیست؟ افکارشان چیست؟ این مساله بسیار مهمی است و ارزش‌های آنها تغییر کرده است. جنس آنها متفاوت است. روش و اعتقادات ما برای او ناآشنا است و این اولین گامی است که باید برای ارتباط‌گیری با نسل فعلی برداریم.

مثلا اگر بخواهید از ارزش‌های اسلامی و بشری بگویید، می‌دانید که چه در فضای مجازی می‌گذرد؟ اولین مساله ما این است که این نسل را بشناسیم و فهم و درک داشته باشیم و او را با همه وجود بخواهیم. دریافت درستی باید از ذهنیت و غایت آنها داشته باشیم و نکته دیگر این است که باید ابهامات این نسل را بشناسیم. همیشه در طول تاریخ انسان‌ها شبهه و مشکل و مساله داشتند. به طور طبیعی امروز کوچک‌ترین مساله و شبهه‌ای که ایجاد می‌شود، دنیا را فرا می‌گیرد و به تمام اذهان رسوخ می‌کند. سم‌پاشی‌هایی که دشمن می‌کند را باید بدانیم که چیست؟ آیا ارزش‌های این نسل ملی یا مذهبی آنها را نشانه گرفته است؟ مساله‌شان چیست؟ همانطور که ما پژوهش را از مساله شروع می‌کنیم، در این مورد نیز باید این کار صورت گیرد. مساله دیگر این است که حالا ما چگونه و از چه راهی حقایق را به این نسل منتقل کنیم؟

بخش قابل توجهی از جامعه مذهبی است و اعتقاد دارد و پایبند و باتقواست اما به شدت همان‌ها هم در خطر هستند. ما باید، بدانیم که با چه زبان و در چه عرصه‌ای با آنها چگونه صحبت کنیم و از چه دری وارد شویم. اولین مساله ما این است که این نسل جدید و نسل Z، اینفلوئنسر و... را مرجع شناخت قرار داده‌اند. باید این نسل را از پیروی از مطالب و یافته‌های سست و ناستوار و غیرمعتبر پرهیز دهیم. بالاخره کتاب و تحلیل و پژوهش اگر رفرنس و آدرس معتبر نداشته باشد، ما نه می‌خوانیم و نه به آن توجه می‌کنیم. مساله اول این است که باید بتوانیم با تلاش نسل جوان این حقیقت را منتقل کنیم که منی که آخوند هستم و بالای منبر می‌روم، عده‌ای در فقه و فلسفه و... دانا هستند. گیمر رهبر خوبی است اما تنها برای گیم، اینستا منبع تغذیه‌ای خوبی است اما در راستای اهداف خودش. باید دنبال منبع درست برویم و برای مسائل فقی به سایت‌های ویکی‌فقه و ویکی‌شیعه برویم. اگر مساله شرعی داریم باید به کجا رجوع کنیم.

باید به نسل جدید بگوییم که تاریخ را از تاریخدان و کسی که مجتهد در تاریخ است و صاحب‌نظر است بپرس. این گوش و چشم که ورودی ذهن ماست باید کنترل شود. موضوع را شما حق ندارید که از مجتهد بپرسید، نظر شما در موضوع ارجح است. مثلا ممکن است که دکتر روزه را برای فردی

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

مضر بداند اما نظر خود فرد اهمیت بیشتر دارد. باید برای این نسل روشن کرد و حقایق را برایشان مشخص کرد. من اگر مجبور شوم به دبیرستان بروم، نمی‌روم. چون واقعا نمی‌دانم به این بچه‌ها چه چیزی باید گفت. بنابراین حقایق را باید منتقل کرد. اما چگونه؟ این نسل فاصله بسیار زیادی با ما دارد. روزی ما فیلم حمله کماندوهای شاه به فیضیه که طلبه‌ها را به خاک و خون کشیدند را نشان می‌دادیم و همه مردم، آنها را لعن می‌فرستادند. اما چندوقت پیش که این فیلم را نشان داده‌اند و برخی می‌گویند که دم‌شان گرم... این ذائقه بسیار تغییر کرده است. این نسل نه شاه و نه امام و نه صدام را دیده است. تصور درستی از شاه ندارد. ما فکر می‌کنیم تمام موضوعاتی که برای ما مسلم است برای این نسل نیز همینطور است! باید حقیقت را به آنها منتقل کنیم اما باید دسته‌بندی برای این نسل داشته باشیم.

هرروز نیز دانش و تکنولوژی رشد می‌کند. من چندوقت پیش به اعتکاف رفتم و از شب تا صبح و بالعکس موبایل از دست این افراد نمی‌افتاد. یک سره در اینستا هستند و روزی یک تا دو ساعت هم بیشتر نمی‌خوابند. دنیای ما چنین دنیایی است و مقداری ما عقب‌ماندگی داریم و به همین دلیل است که رهبری بر جهاد تبیین تاکید دارد.

دنیای جدیدی به نام مقاومت ایجاد شده است

اسدالله طیب‌زاده، عضو هیات علمی تهران مرکز دانشکده هنر: اینجا یکی از لنگرگاه‌های انقلاب اسلامی بوده است. بسیاری از افرادی که با جرات و بااعتقاد آمدند و جان عزیزشان را فدای تفکرات و باورهای اعتقادی خودشان کردند. عزیزانی اینجا آمدند و از نظریاتی دفاع کردند و توانستند آنها را به منصه ظهور برسانند. توانستیم این موفقیت‌ها را تا به این جا داشته باشیم تا جایی که حتی دنیای جدیدی با نام دنیای مقاومت هم ایجاد شده است. چندین روز است که یک شهر در مقابل یک دنیا ایستاده است. صحبت‌هایی درباره فاصله نسلی گفته شد. من به دو مطلب اینجا اشاره می‌کنم. اول اینکه به‌زعم من وظیفه دانشگاه این است که این مکان را معرفی کند. یک راه معرفی به نظر من این است که استاد و معلم را بیاوریم تا موزه را ببینند؛ اما راه‌حل اصلی این است که دانشجو را بیاوریم. اینکه تحت چه نام و مکانیسمی باشد را دانشگاه بهتر می‌داند.

اما خواهشی عاجزانه دارم این کار را به صورت اجرایی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت انجام دهید. بخش دیگر درباره مظلوم بودن این محیط است. حاج آقا می‌گویند که ممکن است من با فرزندم خودم هم نتوانم ارتباط برقرار کنم. ما نتوانستیم مکانیسمی مثل اینستاگرام را درست کنیم و به همین دلیل است که فرزندان ما حتی در اعتکاف هم این صفحه را ترک نمی‌کنند و کنار نمی‌گذارند. ۴۴ سال از انقلاب گذشته اما فکر نمی‌شود که چرا ما نمی‌توانیم نسل جدیدمان را از این مکانیسم، جدا کنیم. عزیزانی که در موزه عبرت هستند، چه کردند؟ کم کار کردیم و باید بپذیریم. اگر دهه اول انقلاب بود جای پذیرش آن وجود داشت اما الان چهار دهه از انقلاب گذشته است.

باید از فناوری به نفع انقلاب اسلامی استفاده کرد

آرزو اسلامی، عضو هیات علمی واحد علوم‌وتحقیقات دانشگاه آزاد: من خوشحالم که امروز به عنوان استادی نابینا در اینجا حضور دارم. در حضور استاد بازرگان و غیره حضور دارم. از گروه فراسازمانی دانشگاه آزاد که تلاش مضاعفی کرد تا ما اینجا بیاییم و از نزدیک با زندانی‌شدن هشت هزار و ۴۳۲ نفر از سال ۵۰ آشنا شویم که بیش از ۷۰۰ نفر آنها خانم بودند. نکته اول این است که بحث جهاد تبیین اهمیت دارد. پیش از سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، در قرآن کریم، از کلمات بینه و بین وغیره استفاده شده بود. پس مشخص می‌شود که از دوران حضرت آدم تا حضرت خاتم، بحث تبیین برای مردم بوده و تا به امروز نیز ادامه دارد اما شکل و شمایل آن تفاوت دارد. ابتدا باید برای بحث جهاد تبیین نیز مخاطب‌شناسی صورت گیرد که او را بشناسیم و بدانیم که برایش چه برنامه‌هایی داریم. ما می‌توانیم از طریق انیمیشن و فیلم و اینستاگرام تبیین را داشته باشیم. باید از فناوری به نفع انقلاب اسلامی ایران استفاده کرد. اتفاقا خوب است پژوهشی در این حوزه داشته باشیم که فناوری تا چه حد توانسته در معرفی انقلاب اسلامی ایران به جهان موثر باشد و به آن شکل دهد. نکته دوم این است که من به عنوان فردی نابینا نمی‌دانستم که اصلا در متروی امام خمینی که کمی بالاتر می‌رویم موزه عبرتی وجود دارد و به نظر من بسیار بهتر است که کتابخانه‌ای اینجا باشد و کتاب‌های خاطرات را برای مردم به فروش بگذارد، حتی برخی از ماکت‌ها را به‌صورت اسباب‌بازی به کودکان هدیه دهند. من فکر می‌کنم این موزه مظلوم واقع شده است. باید از موزه عبرت به عنوان رسانه استفاده کنیم و دانش‌آموزان را با آن آشنا کنیم. من سوالی از استاد محمود بازرگان دارم. آقای بازرگان چه شد که ساواک شکست خورد. چه شد که پرویز ثابتی که به عنوان رئیس رکن سوم فعالیت می‌کرد، آمال و آرزوهایش هیچ شد و فروریخت. اتفاقا من دیروز که با استاد صحبت می‌کردم، اذعان کردند که بافت جامعه ما سنتی است و شاید اعتراضاتی مردم داشته باشند و شلوغی صورت گیرد اما این نظام از ما نمی‌افتد و این موضوع مایه خوشحالی ماست.

سه سازمان امنیتی از هدف داشتن مبارزات غافل مانده بودند

محمود بازرگانی: سوالات بسیار کلیدی و اساسی می‌پرسیدند که از دقت ایشان تعجب کردم. درباره این موضوع که چرا ساواک شکست خورد، اولا «خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند.» بسیاری از پدرها و مادرها، سال‌ها و ماه‌ها نمی‌دانستند که فرزندشان کجاست. ظلم پایدار نخواهد ماند. نکته دیگر این است که عدم درایت و هوشمندی سه سازمان بزرگ سرویس‌های امنیتی CIA و موساد و یک سازمان دیگر از یک نکته غافل بودند و آن هم هدف داشتن مبارزات بود. گفته شد که چگونه این سلول‌های انفرادی و غیره را دوام آوردیم و من گفتم که «الا بذکرالله تطمئن‌القلوب» سرویس‌های امنیتی از این موضوع غافل شده بودند. نکته دیگر نیز پایبندی و استواری مبارزات از حضرت امام گرفته تا احزاب و گروه‌های انقلابی، همگی این ویژگی را داشتند.

خزایی: یکی از دلایلی اصلی بیراهه رفتن ساواک و عقب‌ماندنش از جامعه مساله وابستگی این سازمان بود. رژیمی که وابسته به بیگانه است و ابزار و اهداف و بقا و تداوم و حمایتش را از بیگانه می‌گیرد، خودجوش نیست و از درون نمی‌جوشد و متکی به ملت نبود و طبعا چنین اتفاقی برایش می‌افتد. مساله دیگر نیز نداشتن برآورد درست از جامعه است. ساواک جامعه خودش را نمی‌شناخت و اصلا برای این مورد درست نشده بود. برای مبارزه با گروهک‌ها و سازمان‌های سیاسی و مسلحانه بود و در کار خودش بسیار موفق بود. اما برای کار دیگری ساخته نشده بود. از زیر پوست شهر و روی جامعه بی‌خبر بود. نکته سوم که چندان ارتباطی به ساواک ندارد، ما می‌بینیم که پرویز ثابتی در سال‌های ۵۵ - ۵۴، گزارش‌هایی به شاه می‌دهد که در شهرها خبرهایی است و گروهک‌هایی داریم که تمام آنها را متلاشی کردند. ثابتی انسان باهوشی بود اما گوش شنوایی وجود نداشت. جامعه خوب شناخته نشده بود و درواقع برآوردی درست از وضعیت و تهدیدها و روندهای شناختی و غیره در قوه عاقله نظام اتفاق نمی‌افتاد. ساواک برای این کار ساخته نشده بود و ابزارش را نداشت و اجازه تحلیل نیز به آنها داده نمی‌شد. تحلیل‌ها و برآوردها در سفارت آمریکا انجام می‌شد. این موضوع عامل وابستگی است و زمانی که در تحلیل و شناخت وابسته باشند طبعا چنین سرنوشت نکبت‌باری در انتظارشان است.

هویت‌ها را با مفروضی جدید زنده کنید

معصومه رشاد، عضو هیات‌علمی دانشکده روانشناسی واحد رودهن: بسیاری از دوستان ما در این مجموعه خوش‌فکر هستند. برای من ورود به اینجا برای اولین بار در دوران دبیرستان بود که آن زمان ترس و ارعابی از اینجا داشتیم. اما شاید آن زمان به این شکل توضیح داده نمی‌شد. من دو ایده برای نوشتن مقاله برای ژورنال‌های بین‌المللی گرفتم. ایده اول این بود که تبیین مولفه‌های اهداف بود. چه چیزی باعث می‌شود تا افراد در این اتاق‌های کوچک و با این شدت شکنجه‌ای که وجود داشت بر قامت اهداف خود استوار بمانند. این هدف و تبیین مواضع چیست که با توجه به متلاشی شدن بسیاری از گروه‌ها و گروهک‌ها، اهداف آرمانی و اسلامی امام خمینی همچنان در ذهن‌شان استوار مانده بود؟ من می‌خواهم تا هویت‌ها و ارزش‌ها را در قالب یک نظریه سازانگاری تبیین کنم. ارزش‌هایی که در دوران مبارزه تبیین شدند. ما دوباره چه کنیم؟ اگر امروز به موزه عبرت آمدیم، باید عبرت بگیریم که در نوشتار و گفتار و مباحثی که به جامعه علمی عرضه می‌کنیم آن را به کار ببریم. اهداف انقلاب را باید زنده کنیم، در نسل جدید این بی‌هویتی موج می‌زند. راهکارها و راهبردها و تاکتیک‌هایی که ما داریم، چیست؟ باید هویت‌ها دوباره با مفروض‌های جدید زنده شود. این مبحث را در دانشکده‌ها و گروه‌ها به صورت بازدید علمی-اجباری، قرار دهند. این را برای تمام دانشجویان از ترم یک با طرح‌های مقدماتی آغاز کنیم، حتی به نظر من در این مدت ایجاد همایشی نیز داشته باشیم. جرقه‌ای برای زنده کردن اهداف انقلاب باید زده شود. من دانشجوی ۲۰ ساله‌ای دارم که هیچ‌کدام از این افرادی که امروز به دیوارها اسامی و عکس‌هایشان زده شده بود را نمی‌شناسند. من این پیشنهاد را به مجموعه دارم که این اجماع را کمی بزرگ‌تر شکل دهد تا ما بتوانیم گام‌های محکم را در مقابل تهاجم فرهنگی برداریم. پیشنهاد من بحث ایجاد فراخوان یا همایش است.

زمانی که من وارد این موزه شدم قلبم فشرده شد. یعنی صدای ضجه‌هایی که شاید من نشنیده باشم در ذهنم تداعی شد و جرقه‌ای برای نوشتن مقاله بین‌المللی شد. باید دغدغه ما معلمان باشد، شاید نیایند و اینجا را نبینند، اما ما باید آن را به قلم بیاوریم. باید بدانیم چه مراحلی را طی کردیم که توانستیم روی این صندلی‌ها بنشینیم. چقدر برای این صندلی خون دادیم و تلاش داشتیم و باید بدانیم که چقدر مسئولیت ما زیاد است.

ما برای جهاد تبیین جنگیدیم

محمد جهان‌بین، راوی موزه عبرت: امروز یا دو سه روز قبل بود برخی از عزیزان سپاه اینجا آمدند و پرسیدند که جناب جهان‌بین تمام اینهایی که گفتید را ما شنیدیم، اما انگیزه چنین ایستادگی چیست؟ شما می‌گویید چندماهی در اینجا بودید و بعد از آن به بیمارستان شهربانی و کمیته و زندان‌های دیگری رفتم، انگیزه‌تان چه بود؟ در پاسخ به او گفتم حضورمان خود معنی ایمان است و ما برای جهاد تبیین جنگیدیم و امیدواریم که این جهاد تبیین استمرار داشته باشد. من بسیار تشکر می‌کنم که وقتی را به من دادید.

حضار: من از سخنرانی سه بزرگواری که اینجا ملاقات‌شان کردم و شناخت کمی نیز از آنها داشتم، لذت بردم. اما یک تاسف برای من پررنگ‌تر شد. من برای نوه‌ام چه رسالتی دارم و چه می‌توانم انجام دهم؟ آقای خزایی، خیلی ماهرانه و بسیار زیرکانه صحبت‌هایتان را بیان کردید. واقعیتی که در مشهد دیدید چقدر با حقیقت فاصله دارد؟ این فاصله شکاف نسلی را چه کسانی باید پر کنند؟ آیا از مدرسه و مهدکودک و دانش‌آموزان باید کار کنیم؟ یک راه بیشتر ندارد. دورتادور کشور دیوار بکشند و تمام ادوات و سواد و مدارس را نیز تعطیل کنند و از بین ببرند و به هزار سال قبل آن بازگردانند. من از بیانات حاج‌آقا بازرگانی به شدت لذت بردم و ایشان بسیار انصاف داشتند و بی‌طرف صحبت کردند. جناب عبدخدایی هم بسیار منصف بودند. ما واقعیت‌ها را با حقایق بسیار فاصله‌دار می‌بینیم.

نسل جدید فرامادی است

احمد فاضلی، استاد دانشگاه آزاد تهران غرب: من نکته‌ای را به دکتر خزایی می‌گویم. اینکه جوانان ما ارزش‌های ما را نمی‌پذیرند، حقیقت این است که آنها اصلا ارزش‌های ما را قبول ندارند. ما در عصر الکترونیک و پسامدرن هستیم. این نسل جدید فرامادی بوده و ممکن است پیامبر و امام و... را نشناسد. این نسل هوای تمیز و آسیب نرساندن به حیوانات و فضای سبز را می‌خواهند. عصر اطلاعات و فراصنعتی است و این نسل چیز دیگری را می‌خواهند اما ما چیز دیگری را به آنها می‌دهیم. نکته دیگر من این است که ما به انقلاب اسلامی افتخار می‌کنیم. چندوقت پیش بود که ماهواره ثریا را پرتاب کردند. اینکه آمریکا و جهان غرب را به ستوه آورده است و از راهنمایی‌های بسیار خوب رهبری است.

سرعت تحولات در این عصر باعث شد بشر جا بماند

خزایی: جناب طیب‌زاده در ابتدا موضوعاتی را مطرح کردند که باید اشاره کنم، استاد عزیز کار بسیار زیاده شده است. تولید محتوا و متن بسیار زیاد در کشور انجام می‌شود. من به این دلیل که مسئولیت موسسه تاریخی را بر عهده دارم، می‌دانم فعالیت‌های بسیار خوبی در این حوزه انجام شده. تولید رفرنس و ماخذ و... بسیار صورت گرفته است اما سرعت تحولات به قدری در این عصر زیاد شد که تمام بشر جا ماند. یعنی رئیس جمهور فرانسه در آن ایام گفت فرانسه در معرض خطر بسیار بزرگی قرار دارد و تمام سنت‌های فرانسوی که مهد تمدن بوده بالاخره در آماج توفان فرهنگ آمریکایی است. یعنی چنین وضعیتی وجود دارد که فرانسه نیز احساس خطر کرده است. اینترنت که آمد به یکباره علم تغییراتی را داشت و الان سال به سال علم و دانش و آگاهی‌های بشر جهان را متحول کرده است. عشق ما این بود که عصرهای جمعه تارزان ببینیم. کسی تلویزیون و ارتباطات نداشت. الان سر هر سفره‌ای فردی موبایل دارد و این شرایط وضعیتی ایجاد کرده که در دنیا، آمریکا از تیک‌تاک وحشت کرده است. اما نکته این است که هیچ کشور به اندازه ما در معرض تهدید نیست. آیا در دنیا کشوری با انتخابات کشور دیگر کار دارد؟ نه! اما تمام دنیا با انتخابات کشور ما کار دارند. انتخابات ما مساله داخلی بوده اما مورد توجه غرب و اعراب و... نیز است. پارسال در وضعیتی که پیش آمد، دیدید حتی نخست‌وزیر کانادا هم در تجمعات خارج از کشور حضور پیدا کرد.

قصه ما به این صورت است؛ چراکه نظام ما الگو است. نظامی ایجاد شد که در مقابل امپریالیسم قد برافراشته است که کمونیسم و مارکسیسم و سوسیالیسم حریف آن نشد. ۱۰ سال دنیا ایستاد که بشار اسد را بردارند یا ۹ سال همه دنیا ریخت که یمن را نابود کند، اما ایران نگذاشت و حرفش را تحمیل کرد. خودشان می‌گویند ما ۳ تریلیون دلار در عراق سرمایه ریختیم اما امروز در بسیاری از کشورها حرف اول و آخر را می‌زنند، اما ایران در بسیاری از دنیا معروف به هارتلند است و همواره باید تحت نظارت قدرت‌های بزرگ باشد، اما بعد از انقلاب ورق برگشت. از سمت دیگر نیز محدود به جغرافیای خود نشده‌ایم، خیلی عجیب است که در غزه تمام پهپادهای دنیا تا ۵۰ متر زیر زمین را اسکن می‌کنند اما نتوانستند به هیچ‌کدام از اهداف‌شان برسند و نخواهند رسید. خودشان را بی‌آبرو کردند و تمام دنیا روز قدس شد. هجمه سنگین و نفسگیر روز و شبی وجود دارد. الان ۶۵ کشور دنیا در صف خرید پهپاد ایران هستند و حتی چین هم به ما سفارش می‌دهد.

من آخرین نکته را نیز می‌گویم، نکته‌ای درباره رجوی گفته شد که چرا نمایندگی مجلس به او داده نشد، دلیل این بود که به قانون اساسی کشور پایبند نبود و آن را قبول نداشت، اما در مقابل کشور را دو دستی به بنی‌صدر دادیم. زمانی که فرد زیربنای نظام را قبول نداشته باشد این مشکلات به وجود می‌آید. ما دلایل متقنی داریم که این گروه از روز اول تصمیم به براندازی داشتند و تصمیم‌شان را از همان ابتدا گرفته بودند. مسائلی که ما امروز در خصوص جوانان با آن درگیر هستیم، از روز اول وجود داشته است. نوح ۹۵۰ سال تبلیغ کرد و تنها ۸۰ نفر را جذب کرد و روزی چندبار ایشان را کتک می‌زدند. داستان قوم لوط برای ۲۷۰۰ سال پیش است. البته امروز ارتباطات مشکلات را چندین برابر کرده است. بشر همیشه این قصه را داشته است و فساد و فحشا و بی‌بند و باری وجود دارد، اما درعین حال در کنارش جوانان برومند هم وجود دارند. همان بچه‌ای که در اعتکاف، در اینستاگرام می‌چرخید بسیار بسیجی بود. این موضوعات دلیل نمی‌شود که اسلام یا عقیده جوانان تحت تاثیر قرار گرفته باشد. امروز هم ما باید زینب‌وار بایستیم و بالاخره در راه‌مان کوتاهی نکنیم.

همچنان معتقدم در تبیین انقلاب کم‌کاری کرده‌ایم

عبدخدایی: درباره فساد و... که اشاره شد باید بگویم دوستان هیچ‌وقت نباید ما ناامید شویم؛ چراکه اصلا دستور خداوند این است. نکته دیگر در تکمیل فرمایشات خانم دکتر است که بسیار موردی گفته شد اما شایسته بود. ما در موزه عبرت، راویان قوی داریم، بنابراین ما به گونه‌ای روایت می‌کنیم از خودمان چیزی نمی‌گوییم. اگر هم از خودمان بگوییم برای رفع ابهام است. نکته بعدی درباره محصولات فرهنگی بود، موزه تلاش دارد کتاب و... داشته باشد و نکته دیگر این است معمولا چندسالی که توفیق حضور در اینجا را داشتم از شبکه‌های مختلفی به این موزه آمدند. من همچنان معتقدم ما کم‌کاری کرده‌ایم و از همه شما کمک می‌خواهیم. ما کلاس درس داشتیم و دانشجو با هزار امید می‌آید و باید آنها را راهبری کنیم. نکته آخرم این است دوستان هر زمان خواستند بازدید بیایند حتما خبر دهند که ما باشیم. مبادا بیایید و بازدید کنید و هزار سوال ایجاد شود. یکی از اشتباهات ما این است که معمولا انقلاب اسلامی را با افراد مقایسه می‌کنند که اشتباه است. باید افراد را با انقلاب اسلامی مقایسه کنند. این نکته بسیار اهمیت دارد.

وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای تهران

آگهی مناقصات عمومی یک‌مرحله‌ای
۱۴۰۲/۱۲۰۷۴ و ۱۴۰۲/۱۱۰۳۶

۱-نام و نشانی مناقصه‌گذار: شرکت برق منطقه‌ای تهران به شماره ثبت ۹۷۶۴، شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۰۲۶۶۴ و کد پستی ۱۹۸۱۹۶۹۹۶۱، به نشانی تهران، سعادت‌آباد، بالاتراز کوی فراز، بلوار برق تهران، شرکت برق منطقه‌ای تهران، ساختمان حوزه ستادی، طبقه سوم، بال شرقی، امور تدارکات و قراردادها

۲-موضوع مناقصه: مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به شرح ذیل:

شماره مناقصه (مرجع)	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	موضوع مناقصه	میزان تضمین (سپرده) شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	زمان گشایش پیشنهادات
۱۴۰۲/۱۲۰۷۴	۲۰۰۲۰۰۱۰۰۸۰۰۰۳۴۲	واگذاری خدمات ترابری دیسپاچینگ‌های منطقه‌ای و فوق توزیع	۴,۵۸۵,۴۴۰,۰۰۰	ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸
۱۴۰۲/۱۱۰۳۶	۲۰۰۲۰۰۱۰۰۸۰۰۰۳۴۱	خرید هادی‌های فاز آلومینیوم فولاد و تمام آلومینیوم	۸,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

۳- زمان، مهلت، مبلغ و محل دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۱۱/۲۳، به سامانه الکترونیکی تدارکات دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و با پرداخت مبلغ ۵۰۰٬۰۰۰ ریال از طریق درگاه پرداخت اینترنتی به شماره حساب ۴۰۰۱۰۵۰۹۰۴۰۰۵۶۵۵ (شماره شبا IR ۸۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۰۹۰۴۰۰۵۶۵۵) به نام شرکت برق منطقه‌ای تهران نزد اداره کل خزانه بانک مرکزی به شماره شناسه واریزی ۳۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰-۸۲-۲۲۱۵۰۰-۷۴-۳-۶۴-۰۵۰۹ جهت خرید اسناد مناقصه فوق اقدام نمایند.

۴-مدت اعتبار پیشنهادات: اعتبار پیشنهادات از زمان افتتاح پاکات شش ماه می‌باشد.

۵-نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز نقدی به حساب ۴۰۰۱۰۵۰۹۰۶۳۷۲۸۲۲ (شماره شبا IR ۷۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۰۹۰۶۳۷۲۸۲۲) تمرکز سپرده‌های برق تهران نزد خزانه می‌باشد.

۶-نام و نشانی دستگاه نظارت: شرکت برق منطقه‌ای تهران به نشانی مندرج در بند یک

۷-زمان و محل تحویل پیشنهادات: پیشنهاددهندگان باید ضمن بارگذاری تصویر کلیه مدارک پاکات (الف، ب، ج) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۷، نسبت به ارسال اصل مدارک مطابق شرایط درج‌شده در اسناد مناقصه، در پاکت لاک‌ومهر شده تا ساعت ۱۲ ظهرروز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ به دبیرخانه حراست به نشانی مندرج در بند یک (طبقه دوم) تحویل و رسید دریافت دارند. تمامی فرآیند برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت صورت می‌پذیرد.

۸-گشایش پیشنهادات: پیشنهادات ارائه‌شده در سامانه براساس جدول فوق درسالن پژوهش ۳ واقع در طبقه سوم ساختمان ستادی شرکت برق منطقه‌ای تهران گشایش خواهد یافت.

۹- سایر شرایط:
- مناقصه شماره ۱۴۰۲/۱۲۰۷۴
- ارائه گواهینامه معتبر تایید صلاحیت ایمنی براساس ضوابط و مقررات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ارائه گواهینامه تایید صلاحیت معتبر در رسته حمل و نقل از وزارت تعاون ،کار ورفاه اجتماعی
- سوابق اجرایی شامل موافقتنامه قرارداد و حسن انجام کار (رضایتنامه) از کارفرمایان قبلی حداقل دو مورد
- مناقصه شماره ۱۴۰۲/۱۱۰۳۶ (مبلغ برآوردی ۱۶۴,۹۳۳,۸۱۷,۲۸۸ ریال)
- ارائه تائیدیه تامین‌کنندگان تایید صلاحیت‌شده شرکت توانیر در زمینه تولید هادی فاز آلومینیوم فولاد و تمام آلومینیوم الزامی می‌باشد.
- ارائه پروانه تولید از وزارت صنعت، معدن و تجارت (با توجه به تولید داخل محصولات موضوع مناقصه) یا نامه نمایندگی معتبر از تولیدکنندگان داخلی الزامی می‌باشد.
- ارائه دو مورد فروش محصولات مشابه به همراه رضایتنامه از کارفرمایان الزامی می‌باشد.

تذکر مهم: مناقصه‌گرانی که در پنج سال گذشته با شرکت برق منطقه‌ای تهران قرارداد مرتبط با موضوع مناقصه را داشته باشند و قرارداد آنها پایان یافته باشد، ارائه یک فقره رضایتنامه انجام کار از آخرین قرارداد مرتبط الزامی می‌باشد، درصورت عدم ارائه رضایتنامه مذکور پیشنهاد آن مناقصه‌گر مردود اعلام می‌گردد.

علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با شماره‌های دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ و مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱ تماس حاصل نمایند.

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	www.setadiran.ir
پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات	http://iets.mporg.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات شرکت توانیر	http://tender.tavanir.org.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات شرکت برق منطقه‌ای تهران	www.trec.co.ir

روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای تهران
شماره شناسه ۱۶۵۷۶۵۷
شماره م.الف۴۳۰۱

کانون تبلیغاتی
سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵